

ساختن سردبیر



راستش را بخواهید، در این روزها شاید بی‌ربط‌ترین کار دنیا این باشد که مجله‌ای منتشر کنیم درباره سریال‌ها. وقتی حال خیلی‌ها خوب نیست، وقتی خبرها سنگین‌تر از حوصله‌اند، وقتی زندگی از ریتم معمولش افتاده، حرف زدن از قصه‌های تصویری، فصل تازه‌ی یک سریال یا بازی بازیگران، می‌تواند شبیه یک شوخی نابجا به نظر برسد. ما این را می‌فهمیم.

و پیش از هر چیز، با هم همدلیم و هم سوگ. اما همین تردید، همین مکث، همان چیزی است که باعث شد این شماره را منتشر کنیم. نه از سرب‌بی‌خبری، نه برای فرار، نه برای نادیده گرفتن درد، نه برای ادای عادی بودن... بلکه برای یادآوری یک چیز کوچک اما انسانی:

این‌که آدم‌ها حتی در سخت‌ترین روزها هم حق دارند نفس بکشند، چند دقیقه از واقعیت فاصله بگیرند، و در یک داستانِ ساختگی، کمی از خودشان را دوباره پیدا کنند. سریال‌ها قرار نیست جهان را نجات بدهند.

اما گاهی کمک می‌کنند شب راحت‌تر بگذرد، ذهن از چرخه‌ی تکرار خبرها بیرون بیاید، و آدم یادش نرود که هنوز می‌شود نشسته، نگاه کرده، و چیزی را دنبال کرد؛ حتی اگر فقط برای چهل دقیقه. «۳ ریال» این بار با صدای آهسته‌تری منتشر می‌شود.

نه با هیجان، نه با توصیه.

فقط کنار شما.

اگر حوصله داشتید، بخوانید.

اگر نداشتید، حق‌تان است.